

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

(صص ۵-۹)

ریشه‌شناسی نام اسکندر بر پایه روایت شاهنامه

گارنیک آساطوریان*

چکیده

نگارنده در مقاله حاضر به ریشه‌شناسی نام اسکندر بر پایه روایت شاهنامه پرداخته است. به گفته فردوسی نام اسکندر از گیاهی اخذ شده که برای درمان بوی ناخوش دهان مادرش، ناهید دختر قیصر روم از آن استفاده شده است.

پروژه گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

کلیدواژه‌ها: ریشه‌شناسی نام‌های شاهنامه، اسکندر، گیاه سیر

* استاد و رئیس انستیتوی خاورشناسی دانشگاه روسی - ارمنی (اسلاونی)، ایروان

درآمد

در داستان «اندر زادن اسکندر از مادر» در شاهنامه فردوسی، دلیل بسیار جالب توجهی درباره‌ی خاستگاه نام اسکندر مطرح شده است که تاکنون تا جایی که نگارنده می‌داند، کسی به آن نپرداخته است. البته باید توجه کرد که اسکندر صورت معرب نام یونانی الکساندروس (Ἀλεξάνδρος) است که به سبب آوازه‌ی کشورگشایی‌های «اسکندر مقدونی» رایج شده و معنای تحت‌اللفظی آن «مدافع مردان» است. اسکندر از صورت عربی السکندر (مقلوب الکسندر) انتزاع گردیده و «ال» در آغاز آن حرف تعریف عربی پنداشته شده است.

به گفته‌ی فردوسی (۱۳۸۶: ۵۲۳-۵۲۴) داراب، شاه ایران، ناهید، دختر قیصر روم یعنی فیلقوس (Philippus) را به زنی می‌گیرد. ولی پس از مدتی در بستر از دهان ملکه بوی ناخوشی به مشام او می‌رسد. داراب همه‌ی پزشکان را برای علاج این بیماری فرامی‌خواند و یکی از طبیبان با استفاده از گیاهی که در روم می‌روید ناهید را مداوا می‌کند. ولی داراب که از ملکه دلزده شده بود، او را به پدر بازمی‌گرداند. سرانجام ناهید پس از نه ماه پسری به دنیا می‌آورد که نام او را به فرخندگی گیاهی که بیماری ناهید را درمان کرده بود اسکندر می‌نامند؛ به عبارت دیگر، بر پایه‌ی روایت شاهنامه نام آن گیاه علاج‌بخش «اسکندر» بوده است:

شبی خفته بود ماه با شهریار	پر از گوهر و رنگ و بوی و نگار
همانا که برزد یکی تیزدم	شهنشاه از آن دم زدن شد دژم،
بیچید در جامه سر زو بتافت	که از نکه‌تش بوی ناخوش بیافت
از آن کار شد شاه ایران دژم	پراندیشه جان، ابروان پر ز خم

بزشکان داننده را خواندند	به نزدیک ناهید بنشانند
یکی مرد بیادل نیکرای	پژوهید تا داروی آمد به جای
گیایی که سوزندهٔ کام بود	به روم اندر اسکندرش نام بود
بمالید بر کام او بر بزشک	ببارید چندی ز مژگان سرشک،
بشد ناخوشی بوی و کامش بسوخت	بکردار دیبا رخس بفروخت...
چو نه ماه بگذشت بر خوب‌چهر	یکی کودک آمد چو تابنده‌مهر
به بالای ارونند و بویا برش	سکندر همی خواندی مادرش
به فرخ همی داشت آن را	کزو یافت از ناخوشی کام را

بحث

روایت فردوسی در باب نام این گیاه ظاهراً باید به طور غیرمستقیم از روایات یونانی یا لاتینی اقتباس شده باشد، زیرا در روایات ایرانی، اسکندر، گجستک یعنی «ملعون» به شمار می‌آمده و داستان ارتباط پدر و فرزندی او با داراب، محصول دورهٔ پس از اسلام است. باید توجه داشت که دربارهٔ اسکندر صدها منظومه و داستان گوناگون در سنت‌های مختلف وجود دارد، ولی چیزی که در روایت فردوسی نظر خواننده را به خود جلب می‌کند نام گیاه مزبور است.

حال باید دید این گیاه که در روم می‌رویده و برای مداوای بوی دهان ناهید از آن استفاده شده است چیست؟ به گفتهٔ فردوسی این گیاه دهان را می‌سوزانده، بنابراین بدون تردید گیاهی از گونهٔ *Allium* بوده است. دربارهٔ خواص طب این گیاه نیز کسی تا به حال چیزی نگفته است.

سال‌ها پیش هنگامی که بنده دانشجوی انستیتوی خاورشناسی دانشگاه دولتی لنینگراد (سنت پترزبورگ کنونی) بودم، روزی مرحوم پروفیسور ایوان استبلین-کامنسکی^۱، در یک جلسه سخنرانی با استناد به متون و منابع مختلف در باب نام گیاه مزبور بحث مفصلی کرد و در پایان چنین نتیجه گرفت که این گیاه باید خود سیر یا گونه‌ای از خانواده سیر باشد. اکنون که سال‌ها از آن سخنرانی گذشته، جزئیات بحث ایوان میخائیلوویچ را به یاد ندارم، ولی به خاطر می‌آورم که اکثریت قریب به اتفاق شرکت‌کنندگان در آن جلسه استدلال وی را پذیرفتند. نکته مهم دیگر آنکه در فرهنگ‌های ملل دیگر نیز میان اسکندر و گیاه سیر یک پیوند اسطوره‌ای وجود دارد برای مثال، بر پایه روایتی ارمنی (نک. Łanalanyan 1969: 260) اسکندر مقدونی همیشه پیش از رفتن به میدان نبرد، معجونی از سیر می‌نوشیده و این معجون گویا او را از زخم تیر و شمشیر مصون نگه می‌داشته است.

باری! چنانکه گفتم اسکندر نامیدن این گیاه باید نتیجه تصحیف و خلط نام گیاه مزبور در رسم‌الخط عربی — فارسی، با نام اسکندر مقدونی باشد. نام گیاه سیر در یونانی باستان اسکوردن (Σιχόροδον) بوده که در یونانی متأخر به شکل اسکردن (Σιχόρδον) یا اسکردو (Σιχόρδο) ضبط شده است. حدس نگارنده این است که این نام یونانی در عربی با قلب -rd- و به صورت اسکدر (Iskador) منعکس شده است که به صورت اسکدر نیز خوانده می‌شود. سپس این کلمه از سوی کاتبان تصحیف نام اسکندر تلقی شده و به متون گوناگون راه یافته است.

^۱ Иван Михайлович Стеблин-Каменский

کتابنامه

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، شاهنامه، ج ۵، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

Łanalanyan. A. (1969), *Avandapatum*, Erevan.

The Origin of the Name *Iskandar* (Alexander the Great) According to the *Šāhnāma*

Garnik Asatrian

Russian-Armenian (Slavonic) University, Yerevan

Abstract

According to the “story of Alexander’s birth” in the *Šāhnāma*, the name of Alexander the Great (*Iskandar*) is derived from the name of a medical herb, which was used to heal the bad smell from the mouth of his mother, *Nāhīd*. The paper is an attempt to explain the reason for such strange naming.

Keywords: Proper Names in *Šāhnāma*, Alexander the Great (*Iskandar*), *Allium*